

فرهنگ ادبیات و هنر

ضمایر [او]

همه خاطرات معتمدی

نماهنگ جدید محمد معتمدی برای کادر درمانی با نام «تمام خاطرات من» به‌زودی منتشر می‌شود

اهل کاشان است، روزگارش بد نیست اما گویا از شرایط رضایت چندانی ندارد. همین چند وقت پیش از وضعیت پیش آمده برای موسیقی و برگزاری کنسرت گلایه کرده بودو کرونا را تهدید بزرگی برای موسیقی در ایران و جهان دانسته بود. محمد معتمدی گفته بود سال‌هاست که تمرکز صنعت موسیقی از حوزه انتشار و نشر قطعه و سی‌دی به سمت برگزاری کنسرت‌ها‌گرایش پیدا کرده‌است. برگزاری کنسرت‌ها برای کرونا، ضربه بزرگی به موسیقی ایران و جهان وارد شد و هنوز هم بعد از چندین ماه، کنسرت‌ها تعطیل است. با توجه به گسترش فضای مجازی، موسیقی دیگر امنیت ندارد و وقتی قطعه‌ای در فضای مجازی منتشر شود، دیگر رفته است.

معتمدی مثل بسیاری دیگر از مشاهیر اهل کاشان، آرام و نجیب است، اما نه بی‌دغدغه و متفعل. **ا** بارها درباره مسائل دنیای موسیقی و مشکلات اجتماعی واکنش نشان داده، گاهی روشن و صریح در مصاحبه‌ها و کنسرت‌هایش، گاهی هم به زبان موسیقی و با ساخت تک‌آهنگ‌های مناسبتی. احتمالا همین روحیه سبب شده با وجود مشکلاتی که به آنها اشاره کرده، دست به کار تولید یک تک‌آهنگ شده و به پوشش «سوره اشک» پیوسته است. این پوشش را مرکز موسیقی و معاونت سینمایی حوزه هنری به‌راه انداخته و از هنرمندان دعوت کرده که در قدیم اول برای محرم بخوانند و بعد از استقبال از پوشش آن را توسعه داده و موضوعات دیگری را هم درنظر گرفته ازجمله تلاش‌ها و رشادت‌های کادر درمانی در رسیدگی به بیماران مبتلا به کووید ۱۹.

حمید غلامعلی، مجید اخشابی، قاسم افشار، غلامرضا صنعتگر و البته محمد معتمدی از خوانندگان سرشناسی هستند که با این پوشش همراه شده‌اند و آنچه معتمدی تدارک دیده نماهنگی است به نام «تمام خاطرات من» که شعرش وصف حال این ماه‌هایی است که گرفتار کرونا هستیم. این نماهنگ، براساس ترانه‌ای از میلاد عرفان‌پور و با آهنگسازی حمیدرضا چراغعلی تولید شده و کارگردانی نماهنگ را امیر اصانلو و مصطفی فتاحی برعهده داشته‌اند. مهر خبر داده که مراحل فنی تمام خاطرات من در حال انجام است و یکی از همین روزها در فضای مجازی منتشر می‌شود.



ژاله خون شد

تیتیر گزارش،

یکی از سطرهای

تصنیف «ژاله

خون شد» است؛

واکنشی هنری از

حسین علیزاده

به‌عنوان آهنگساز،

سیاوش کسرائیی

شاعر و محمدرضا

شجریان به عنوان

خواننده به واقعه

کشتار مردم در روز

۱۷ شهریور ۱۳۵۷

پایان تابستان با نمایش پرویز پرستویی

نمایش «غرب حقیقی» نوشته سم شپارد ترجمه امیر امجد به کارگردانی امید سعیدپور و تهیه‌کنندگی پرویز پرستویی از ۳۰ شهریور ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه در سالن تئاتر مستقل تهران روی صحنه می‌رود. دیروز از پوستر این نمایش هم رونمایی شد. بازیگران نمایش غرب حقیقی، محمد چرخ‌تاب، امید سعیدپور و بیتا آزادی خواهند بود. خرید اینترنتی بلیت‌های این نمایش در سایت تیوال ارائه شده‌است.



فراخوان «حقیقت» منتشر شد
مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سازمان امورسینمایی کشور، چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینما حقیقت را آذرماه ۱۳۹۹ با توجه به شیوع جهانی بیماری کووید ۱۹، به صورت مجازی و نمایش آنلاین به شکل رقابتی برگزار خواهدکرد و جلا آن‌طور که هنرانلاین خبر داده، فراخوان این جشنواره هم منتشر شده‌است. برای آگاهی از جزئیات این فراخوان به سایت جشنواره بروید.

ژاله خون شد، ژاله دریای خون شد

۴۲ سال از کشتار میدان ژاله گذشت و ادبیات و هنر ایران همچنان به وجوه دراماتیک وقایع ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ بی توجه است



پیش از این روز را به بررسی بنشینیم. کاری که مهدی شامحمدی در ابرهای سیاه کرده، چنین کاری است؛ او از روز ۱۳ آبان و تظاهرات گسترده دانشجویان و دانش‌آموزان و کشیده‌شدن ماجرا به داخل دانشگاه تهران آغاز می‌کند و واقعه به واقعه عقب می‌رود تا به روز ۱۷ شهریور برسد. این سبب برعکس مستند ابرهای سیاه باعث شده تا ما نخست با پیامد یک رویداد که حالا خود رویداد دیگری است مواجه شویم و سپس به دلایل و عقبه آن برسیم. لحن روایت متناسب با مستندهای تلویزیونی است و اینجا هم ظرافت چندانی در پرداخت تصاویر نمی‌بینیم. هر چند از این لحاظ، ابرهای سیاه، بسیار موفق‌تر از ژاله‌ای که شهید شد عمل کرده‌است.

عکس

عکس‌های عباس ملکی

چنان‌چه در بررسی فیلم مستند ژاله‌ای که شهید شد هم نوشتیم عباس ملکی، عکاس آن روزهای روزنامه‌کیهان، یکی از عکاسان حاضر در میدان ژاله بوده‌است. او توانسته در آن شرایط دشوار، قاب‌هایی جسورانه ثبت کند. با این‌که اغلب عکاس‌ها در شرایطی مشابه شرایط آن روز، سعی می‌کنند در نزدیکی مردم کارشان را صورت دهند تا به دست نیروهای امنیتی دستگیر نشوند یا آسیب نبینند. اغلب قاب‌هایی‌که ملکی از میدان ژاله بسته است، از پشت سربازهای رژیم‌پهلوی است و از همین روست که ما برای اولین بار در تاریخ عکس‌های انقلاب، از زاویه دید نیروهای متخاصم مردم می‌توانیم به ماجرا نگاه کنیم. مثلا همین عکسی را که او در خلال گفت‌وگویش با جام‌جم آنلاین در اختیار ما قرار داد ببینید: سربازها یکی را شهید کرده‌اند. یکی دیگر آمده تا جنازه را عقب بکشد. موتورها روی زمین رها شده‌اند. ما از زاویه پشت نیروهای نظامی، ماجرا را می‌بینیم. خود ملکی وقتی به این عکس نگاه می‌کند، به ردیف فشنگ‌هایی‌که از سلاح یکی از نظامی‌ها آویزان است نگاه می‌کند و می‌گوید: «مگر به جنگ چه آدم‌های خطرناکی آمده‌بودند که اینقدر مجهز بودند؟» دقت داشته‌باشید که از این زاویه می‌توان حالا به چنین تحلیلی رسید. ملکی از آن روز ۹ عکس ثبت کرده‌است. یکی دیگر از این عکس‌ها که باز از پشت سر نیروهای نظامی ثبت شده، یکی از شناسنامه‌های انقلاب است.

داستان

جمعه سیاه

نویسنده: حسین نیری

راستش را بخواهید اصلا نباید هم وقتی داریم درباره بضاعت ادبیات و هنر ایران در ترسیم سیمای هفدهم شهریور ۱۳۵۷ حرف می‌زنیم. به چنین کتابی اشاره کنیم. شوخی است اگر بگوییم این کتاب، توانسته به عنوان نماینده ادبیات داستانی ایران، تصوبرگر ۱۷ شهریور باشد. چرا؟ عرض می‌کنیم. «جمعه سیاه» روایتی مصور و داستانی است از کشتار مردم در آن روز. روایت کاملا ساده و بدون فراز و فرود و ظرافت خاصی نوشته‌است. خب، برای نوجوانان هم نوشته شده و شاید انتظار بهره‌گیری از تمهیدات ادبیات بزرگسالان را نباید از آن داشت. با این حال، همچنان ادبیات داستانی ایران باید منتظر رمان یا مجموعه داستانی بماند که در روایتی دراماتیک آن روز را به تصویر بکشد. جمعه سیاه، یکی از کتاب‌های مجموعه «روزهای انقلاب» است. از همان مجموعه‌ها که هستند تا قفسه‌ها پر شوند نه این‌که حقی را ادا کنند.

اگر نوار زمان انقلاب اسلامی را این بار از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پی بگیریم و به

عقب برگردیم، چندین و چند روز مهم در تاریخ این انقلاب را باید به بررسی بنشینیم، اما امجد است روزی مهم‌تر از صبح یک جمعه عجیب در شهریورماه آن سال پیدا کنیم؛ هفدهم شهریور. مهم از آن رو که همه معادلات علیه رژیم‌پهلوی از اینجا بود که عوض شد. نظامی‌های شاه شب قبلش نشست‌بودند با کاسه چه‌کنم به دست و نهایتا تصمیم گرفته‌بودند از ساعت ۶ صبح روز هفدهم شهریورماه، در ۱۱ شهر ایران حکومت‌نظامی برقرار کنند. غافل از این‌که سیلی‌که از چهار روز پیش راه افتاده‌بود، مانعی چون حکومت نظامی را اساسا به چشم نمی‌دید. صبح آن روز، البته کسی حدس نمی‌زد با وجود استقرار حکومت نظامی و قوانین سفت و سخت مترتب بر آن، آنها به این راحتی به مردم شلیک کنند. ابعاد فاجعه آنقدر بزرگ بود که همه رسانه‌های مهم دنیا فردای آن روز یکی از تیتترهای اصلی‌شان را به آن اختصاص دهند. با این حال، مانند بسیاری از بزرگه‌های تاریخ معاصرمان، باید افسوس مکررمان را برای واقعه ۱۷ شهریور هم از سر بگیریم؛ این‌که هنر و ادبیات ما درباره این روز مهم از تقویم تاریخ معاصر ایران، تقریبا سکوت کرده‌است؛ سکوتی که حالا ۴۲ سالگی‌اش را پشت سر می‌گذارد. درباره این روز، کتاب‌های متعددی چاپ شده‌است. با جست‌وجو در بین کتاب‌های منتشرشده، دست کم به ۱۷ کتاب می‌رسیم. اما نه داستان چشمگیری نوشته شده، نه وقایع این روز، به رمان و نمایشنامه و شعری تبدیل شده‌است. این در حالی است که وقایع ۱۷ شهریور، به لحاظ بار دراماتیک، تسهیلات فراوانی در اختیار هنرمند قرار می‌دهد تا بتواند آثاری خلاقه درباره آن بیافریند. اینجا درباره دو فیلم مستند تلویزیونی، چند عکس، و یک داستان برای نوجوانان که به وقایع هفدهم شهریور پرداخته‌اند، نوشته‌ایم.

فیلم‌مستند

ژاله‌ای که شهید شد

کارگردان: سهراب فاضلیان

موضوع: عکس‌های عباس ملکی از میدان ژاله

ژاله‌ای که شهید شد» مستندی ۲۰ دقیقه‌ای است که سال گذشته برای اولین بار پخش شد. کارگردان، عباس ملکی را جلوی دوربین خود نشانده‌بود تا از عکس‌هایی بگوید که از روز جمعه سیاه ثبت کرده‌است. در صحنه‌هایی نیز او را با خود به میدان شهدا (ژاله سابق) برده‌بود تا موقعیت جغرافیایی فاجعه آنجا را برای ما ترسیم کند. ژاله‌ای که شهید شد البته در ترسیم چنین جغرافیایی ناموفق مانده‌است. دوربین اصلاع مختلف میدان را با ملکی می‌چرخد و توضیحات او را درباره وقایع آن اصلاع ضبط می‌کند. فارغ از این‌که قاب‌بندی‌ها با شلختگی و بدسلیقگی صورت گرفته، توضیحات ملکی درباره عکس‌هایی‌که گرفته، مطلقا منطبق با خود عکس‌ها نیست. در واقع کارگردان می‌توانست با انطباق هر عکس با هر جایی از میدان، تصویر دقیقی از گذشته و اکنون میدان به دست دهد؛ اما این فرصت را از دست داده‌است. مستند، به سیاق مستندهای تلویزیونی از ظرافت چندانی برخوردار نیست؛ عباس ملکی که آن روزها عکاس روزنامه‌کیهان بوده، رو به دوربین نشست‌ه و از خودش می‌گوید: مستند در عین حال ادعا می‌کند ملکی، تنها عکاسی است که آن روز از وقایع میدان ژاله عکس گرفته‌است. آقای عکاس می‌گوید چهار عکاس دیگر از کیهان در صحنه حضور داشتند اما به خاطر جو امنیتی و شدیداً نظامی میدان ژاله موفق به ثبت عکس نشده‌اند و از همین رو، او تنها عکاس وقایع این میدان است. همچنین ملکی ادعا می‌کند چون عکس‌هایش تا پس از پیروزی انقلاب منتشر نشده‌بود، هیچ یک از روزنامه‌ها هم فردای واقعه، عکسی از میدان ژاله منتشر نکردند. این در حالی است که جز ملکی، دست کم از دو عکاس دیگر حاضر در میدان ژاله عکس منتشر شده‌است. هم حمید رهبری عکس‌های رنگی از آن روز ثبت کرده‌و هم اکبر ناظمی عکس‌های مرتبط با هفده شهریورش را در یکی از کتاب‌هایش منتشر کرده‌است. دریاه ادعای دوم نیز باید گفت روزنامه‌اطلاعات، خبر به‌شهادت رسیدن مردم در میدان ژاله را عصر همان روز با عکسی به همراه متن منتشر کرده‌بود که البته به دلایل امنیتی، به اسم عکاس اشراف‌ای نشده‌بود. از این رو مستند ژاله‌ای که شهید شد، در پروسه تحقیق و تکمیل اطلاعاتش نیز ناقص عمل کرده‌است.

ابرهای سیاه[از مجموعه «روزهای انقلاب»]

به روایت مهدی شامحمدی

موضوع: انقلاب اسلامی و ۱۷ شهریور

روایت «ابرهای سیاه» از واقعه هفدهم شهریور، همان‌طوری است که در مقدمه این گزارش نوشتیم؛ برای این‌که بدانیم انقلاب اسلامی چطور منجر به پیروزی شد، باید چند واقعه

فراخوان «حقیقت» منتشر شد

مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سازمان امورسینمایی کشور، چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران سینما حقیقت را آذرماه ۱۳۹۹ با توجه به شیوع جهانی بیماری کووید ۱۹، به صورت مجازی و نمایش آنلاین به شکل رقابتی برگزار خواهدکرد و جلا آن‌طور که هنرانلاین خبر داده، فراخوان این جشنواره هم منتشر شده‌است. برای آگاهی از جزئیات این فراخوان به سایت جشنواره بروید.

بازمندشورای قیمت‌گذاری

کنسرت هستیم

رشد جمعیت جوان که مخاطب کنسرت‌های موسیقی است و همزمان، ظهور فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی در اواخر دهه ۸۰، سبب شد که کنسرت به فعال‌ترین و موثرترین بخش صنعت موسیقی کشور بدل شود. حالا که در پایان دهه ۹۰ با رشد قابل‌اعتنای قیمت مواجه هستیم، ارزیابی مقدمات و تبعات افزایش بیت‌ایجاب می‌کند که بدانیم قیمت‌گذاری بلیت‌های موسیقی از چند مؤلفه تبعیت می‌کند؛ این‌ها به ترتیب بالاترین قیمت دستمزد عبارتند از: شرکت‌های برگزارکننده کنسرت، سالن‌های کنسرت، نوازندگان و آهنگسازان. همچنین این نکته را هم نظر داشت که در تهران و شهرستان‌ها، بیشترین سالن‌های موسیقی متعلق به دولت است و بالا رفتن بلیت کنسرت درآمد قابل‌توجهی را نصیب دولت

دیگر افزایش قیمت بلیت سبب می‌شود مخاطبان کنسرت‌های موسیقی هرگز به مخاطب فعال بدل و از مخاطبان بالفعل موسیقی نیز کاسته شود که دست به نفع هیچ‌کس نیست. در نتیجه نفع دولت، دگان موسیقی و البته مخاطبان این است که ذاری بلیت کنسرت‌ها عادلانه، اصولی و استاندارد ی کنترل بازار موسیقی و رسیدن به یک مدل منطقی ذاری، تمام ذی‌نفعان برگزار ی کنسرت، باید بخش ن درآمده‌شان را نادیده بگیرند و به منظور بقای صنعت از آنکدی درآمد بیشتر چشم‌پوشند. به‌خصوص می‌تواند بخشی از درآمدش از سالن‌های موسیقی ان یارانه فرهنگی و هنری درنظر بگیرد. دستمزد ن در شهرهای برخوردار و کم برخوردار متفاوت است. ماله می‌تواند در تعدیل قیمت بلیت کنسرت‌ها موثر خصوص از این باب‌که بیشترین درآمد کنسرت‌ها به‌علق دارد.

ی کیفیت اجراها و سالن‌ها هم می‌تواند به عنوان یک بدیل قیمت مدنظر قرار بگیرد، از این باب‌که تعیین اساس درجه کیفیت سالن باشد و مخاطبی‌که در ورزشی با سکو سیمانی، کیفیت بد صدا، تهویه ب و ایمنی کمتر، تماشاگر کنسرت است؛ باید بلیت خریداری کند. کیفیت اجرا و رپرتوار خواننده و گروه هم می‌تواند در تعیین قیمت کنسرت نقش داشته را که می‌دانیم برخی خوانندگان با یک آلبوم موسیقی کنسرت برگزار می‌کنند و طبیعی است که این مساله گذاری‌ها لحاظ شود.

به منظور مدلسازی و رسیدن به یک جدول اری، ایجاد شورای قیمت‌گذاری بلیت کنسرت‌های س را پیشنهاد می‌کنم. درست مانند اتفاقی که سایر محصولات فرهنگی رخ می‌دهد. می‌شود در ر، نمایندگان ی از مجمع ناشران موسیقی، دولت، خوانندگان و نوازندگان، سازمان تنظیم بازار و نیز ن فرهنگ ی مجلس حضور داشته باشند تا براساس های قیمت‌گذاری جدول مورد نظر طراحی کنند ترتیب نه‌تنها حقوق مشتری رعایت شود بلکه ای دولت و هنرمندان نیز مورد توجه قرار بگیرد.

عدد سوم

صدور پروانه برای جیرانی و مانی حقیقی

شورای صدور پروانه ساخت در جلسه اخیر خود با هشت فیلمنامه موافقت کرد. بین این هشت فیلمنامه، تفریق به کارگردانی و نویسندگی مانی حقیقی، اسکورت به کارگردانی و نویسندگی یوسف حاتم‌ی کیا، می‌خواهم سالم زندگی کنم به کارگردانی و نویسندگی فریدون جیرانی، پسری باب‌روه‌ای ضخیم به کارگردانی و نویسندگی بهرام عظیمی و مستوفی به کارگردانی و نویسندگی سیاوش اسعدی به چشم می‌خورد.



«گشت ارشاد ۳» روی میز تدوین

«گشت ارشاد» را می‌گوییم؛ سه‌اش را می‌گوییم که حالا خبر آمده سری سوم این فیلم سینمایی به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سعید سهیلی به مرحله تدوین رسیده‌است. آن‌طور که روابط‌عمومی پروژه خبر داده، با توجه به وضعیت سینماها، احتمالا ساخته جدید سهیلی با بهبود شرایط برای اکران در نوروز ۱۴۰۰ آماده نمایش می‌شود. امیر جعفری، پولاد کیمیایی، ساعد سهیلی، بهنام بانی و ... در این فیلم بازی می‌کنند.



عدد چهارم

با احتیاط بروید

جمعه نیم‌بهای سینما

شورای صنفی نمایش بلیت سینماهای کشور در روز ملی سینما، جمعه ۲۱ شهریور را نیم‌بها اعلام کرده اما خب شما خودتان بسنجید و حواستان باشد به سینماهایی بروید که صندلی‌های خالی بیشتری دارند. هر چند می‌دانید که همه ظرفیت سالن‌ها هم حتی به صورت نیم‌بها به فروش نمی‌رسد. خبر را مرتضی شایسته به ایستنا داده و گفته دو فیلم «اکا» و «بی‌حسی موضعی» نیز از روز چهارشنبه ۱۹ شهریور به فهرست اکران اضافه می‌شوند.

موسیقی [دنگ]

انتشار آلبوم آقای وکیل

یک آلبوم در ژانر موسیقی ردیف دستگاهی ایران به آهنگسازی سیاوش آریامنش و خوانندگی ابراهیم یوسفی نژاد پیش روی مخاطبان قرار گرفت. آن‌طور که مهر نوشته، آلبوم «گیسوی نگار» توسط موسسه راوی تولید و از امروز وارد فروشگاه‌های عرضه محصولات فرهنگی هنری شد. آرشام آریامنش (تار و بم تار)، پیام بحیرایی (عود)، علی نجفی ملکی (نی)، رضاآبادی (قیچک آلتو)، علیرضا دریایی (ویولون و ویولن آلتو)، سعید حسین پور (تمبک) و سیاوش آریامنش (سنتور) نوازندگان آلبوم گیسوی نگار هستند. سیاوش آریامنش متولد اهواز از شاگردان برجسته فرامرز پایور که دوره آهنگسازی را نزد استاد حسین دهلوی آموخت دارای درجه ۲ هنری همترازی با فوق‌لیسانس موسیقی است. ابراهیم یوسفی نژاد نیز وکیل دادگستری است که دوره‌های او از رنزد استاد رضوی سروستانی، مسعود میرزاچیدر، مهدی میتقا و مختاباد گنراند‌ه‌است. خوانندگی در اثری ارکسترال از محمد میرزمانی به نام کیمیا و اجرای زنده در ارکستر سمفونیک تهران در کنار خوانندگی در آلبوم‌های «راز نهان» و «رنجیر گیسو» و «خواب خورشید» در کارنامه کاری او ثبت است. بوم گیسوی نگار توسط موسسه راوی از امروز از سوی پخش نیما جوان با صدابرداری حسن خدایی نیا استودیو پاییز و طراحی گرافیک سهیل حسینی مکتب تهران عرضه فیزیکی شده‌است.



شد. داستان مجموعه درباره يك شكارچی هیولا به نام گرالت ریویا (با بازی کاولی) است که با نام جادوگر هم شناخته می‌شود. او در کنار دو شاهزاده، سه داستان متفاوت را در سه دوره تاریخی به تصویر می‌کشد. این سه داستان به‌زودی در نقطه‌ای به یکدیگر پیوند می‌خورند. جیسون موموآ با دنیای اکشن فانتزی چندان بیگانه نیست. او دو سال قبل در اکشن فانتزی ابرقهرمانانه «آکوامن»، نقش ابرقهرمانی را به‌عهده گرفت که به نوعی پادشاه دریاها و اقیانوس هاست. استقبال بالای تماشاگران از فیلم، راه را برای ساخت قسمت دوم آن فراهم کرده‌است. هنوز معلوم نیست موموآ اول جلوی دوربین یک‌دام از این دو کار قرار خواهد گرفت. //دلا یان

میثی سریال تهیه می‌کند. با توجه به زمان رخداد‌های داستان طبیعی است که هنری کاولی، بازیگر نقش اصلی فصل اول مجموعه نقشی در ماجرا‌های این پیش‌درآمد نداشته باشد. با این حال ممکن است او به‌عنوان بازیگر مهمان، حضور کوتاه مدتی جلوی دوربین آن داشته باشد. تمامی صحنه‌های خون‌اصیل در مکان‌های تاریخی و قدیمی انگلستان فیلمبرداری می‌شوند. برای تولید این درام فانتزی قرون وسطایی، هزینه‌ای حدود هشت میلیون دلاری در نظر گرفته شده‌است. فصل اول جادوگر، سال گذشته پخش شد. این مجموعه با نگاهی به داستان کتابی به همین نام اثر اندری سایپوفسکی، نویسنده لهستانی تولید و به‌عنوان محصول مشترک آمریکا و لهستان پخش